



❖ دلیل دوم) آیه شریفه «حرمت اعانه بر اثم»

عمده دلیل لفظی بر حرمت اعانه بر اثم، آیه دوم سوره مائده است:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۱</sup>

مرحوم نراقی در عوائد الایام در بررسی مفهوم اعانه می نویسد:

«و تحقیقه: أنه لا شك و لا خفاء فی أنه یشرط فی تحقق الإعانة و المساعدة علی الشیء، صدور عمل و فعل من المعاون، له مدخلیة فی تحقق المعاون علیه و حصوله، أو فی کماله و تماميته، و نحو ذلك.

و إنما الخفاء فی اشتراط القصد إلی تحقق المعاون علیه من ذلك العمل، و كونه مقصودا و مطلوبا منه انفرادا، أو مع اشتراك شیء آخر، و فی اشتراط تحقق المعاون علیه و عدمه، أی ترتبه علی فعله، و فی اشتراط العلم بتحقيق المعاون علیه أو الظن أم لا، و فی اشتراط العلم بمدخلیة فعله فی تحقیقه.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. برای اینکه «اعانه» بر عملی صدق کند قطعاً باید کاری از معاون سر بزند که در تحقق یا تمامیت «معاون علیه» مدخلیت داشته باشد.
۲. اما علاوه بر آن در صدق مفهوم اعانه، نکات دیگری هم محل بحث است:
۳. الف) آیا لازم است که معاون، قصد تحقق معاون علیه را داشته باشد؟
۴. ب) آیا اعانه در صورتی است که معاون فقط قصدش حصول معاون علیه باشد و یا قصدش علاوه بر حصول معاون علیه، تحقق چیز دیگری هم باشد؟
۵. ج) آیا بر صدق اعانه لازم است معاون علیه در خارج محقق شود یا خیر؟
۶. د) آیا برای صدق اعانه لازم است، معاون علم یا ظن به این داشته باشد که معاون علیه در خارج محقق می شود یا خیر؟
۷. ه) آیا بر صدق اعانه لازم است که معاون علم داشته باشد که کارش در تحقق معاون علیه دخالت

۱. المائدة، الجزء ۶، الصفحة: ۱۰۶، الآیة: ۲

۲. عوائد الایام فی بیان قواعد الأحكام؛ ص: ۷۵



دارد؟

ما می‌گوییم:

۱) در اینکه باید عملی از معاون سر بزند، تردیدی نیست ولی فرقی نمی‌کند که این عمل، فعل جوارحی باشد یا فعل جوانحی (و کمک فکری).

۲) علاوه بر فروض مرحوم نراقی، حضرت امام احتمال ششم را هم مطرح می‌کنند:

و) آیا برای صدق اعانه لازم است کسیکه به او اعانه می‌شود هم قصد وصول به معاون علیه را داشته باشد؟<sup>۱</sup>

مرحوم نراقی سوالات «الف» و «ب» را یک جا مطرح کرده و می‌نویسد:

«فالظاهر اشتراطه، و معناه: أن يكون مقصود معاون من فعله ترتب معاون عليه و حصوله في الخارج، و يكون ذلك منظورة من فعله (سواء كان على سبيل الانفراد، أم على الاشتراك، أي كان هو المقصود و المنظور مع غيره أيضا) سواء كانا مستقلين في المقصودية و العلية أو لا، لأن المتبادر من المعاونة و المساعدة ذلك عرفا، فإنه لو قيل: أعان زيد عمرا في الأمر الفلاني بجميع أدواته و آلاته، يفهم منه أن مقصود زيد من جميع الأسباب و الآلات كان حصول ذلك الأمر. و لصحة السلب عرفا.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. ظاهراً شرط است که معاون قصد حصول معاون علیه در خارج را داشته باشد (چه به تنهایی و چه به همراه نتیجه ای دیگر)،

۲. و اگر دو چیز مقصود معاون هستند، فرقی نمی‌کند که هر کدام از آنها مقصود مستقل باشند و یا همراه با هم مقصود باشند.

۳. چراکه آنچه عرفا از اعانه به ذهن متبادر می‌شود، این است.

۴. و اگر جایی معاون قصد تحقق معاون علیه را ندارد، می‌شود گفت «اعانه نکرد».

ما می‌گوییم:

۱) مرحوم نراقی برای صحت سلب، مثال‌هایی را می‌زند که ما حصل آنها این است:

اگر کسی به قصد آنکه تاجری یا خیاطی را به خیاطت و تجارت وا دارد، لباس به او بدهد یا بفروشد، به او می‌گویند که وی به تاجر و خیاط کمک کرد ولی اگر کسی می‌خواهد کار خودش را راه بیاندازد و لذا به خیاط لباس می‌دهد یا از تاجر چیزی می‌خرد، در این صورت نمی‌گویند او به خیاط یا تاجر کمک کرده

۱. مکاسب محرمة، ج ۱ ص ۲۱۰

۲. عوائد الايام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام؛ ص ۷۶

است.



درس علاج فدا ائمه پید حسن خمینی